

بازاندیشی مقایسه‌ای دو نظریه «سبب مقدم در تأثیر» و «سبب اقوی از مباشر» در حقوق کیفری ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۱

مراد عباسی^۱

فضل‌الله فروغی^۲

چکیده

اجتماع طولی عوامل به دو حالت اجتماع «سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب» قابل تصور است. حقوق دانان اسلامی برای شناخت عامل ضامن در صورتی که آن عامل «سبب» باشد، به نظریه‌های مختلفی از جمله دو نظریه مشهور «سبب اقوی از مباشر» و «سبب مقدم در تأثیر» استناد کرده‌اند. به دلیل عدم تبیین معیار روشن برای استناد به این دو نظریه در جایگاه مشخص و واقعی هریک، شاهد نوعی تداخل در کاربرد این دو نظریه هستیم تا جایی که دادرسان در پرونده‌هایی که از لحاظ مبانی مشترک‌اند، با تمسک به این دو نظریه، گاهی حکم به ضمان «سبب اقوی از مباشر» و گاهی «سبب مقدم در تأثیر» می‌دهد. مقاله حاضر در پی بررسی مبانی و دلایل استنادی هریک از این دو نظریه، جایگاه واقعی این دو را تبیین کرده و در نهایت به این نتیجه رسیده که رابطه آنها به صورت «عموم و خصوص مطلق» بوده و «سبب مقدم در تأثیر»، همان «سبب اقوی» است. از این رو، می‌توان گفت که در دو نظریه یادشده، ملاک و معیار ضمان، اقوایت است که با وجود نظریه «عامل اقوی» ضرورتی به استناد «سبب مقدم در تأثیر» نیست.

واژگان کلیدی: اجتماع طولی، رابطه استناد، سبب، شرط، مباشر.

مقدمه

مداخله در جرم به سه صورت، مباشرت، تسبیب و شرطیت، امکان‌پذیر است و حقوق جزا نیز به دنبال تعقیب و مجازات این گروه از مداخله‌کنندگان جرم است. مباشرت را ارتکاب مستقیم جرم و تسبیب را ارتکاب غیرمستقیم جرم گویند، اما شرط هر چیزی است که تأثیر فعل سبب یا مباشر متوقف بر وجود آن است، اگرچه خود آن در وقوع جرم دخالت نداشته باشد؛ درحالی که «سبب یا مباشر» خود در حدوث نتیجه مؤثر است. برای مثال، اگر (الف) سمی را تهیه نماید و (ب) غذای (ج) را آلوده به سم نموده، (ج) بر اثر خوردن غذای سمی تلف شود؛ درواقع (الف) به‌عنوان «شرط»، (ب) به‌عنوان «سبب» و (ج) به‌عنوان «مباشر» دخالت داشته‌اند.

اجتماع عوامل به دو صورت متصور است. اگر عوامل متعدد در عرض هم اثر کنند، حالت شرکت در جنایت مطرح و همه ضامن خواهند بود (اجتماع عرضی). اما اگر عوامل متعدد در طول هم اثر کنند و تأثیر هر عامل منوط به وجود عامل دیگری باشد، فقط یک عامل (سبب یا مباشر)، ضامن خواهد بود (اجتماع طولی). اجتماع طولی خود به دو صورت «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب» امکان‌پذیر است. در حالت اجتماع طولی عوامل، در خصوص اینکه کدام‌یک از عوامل مسئول شناخته می‌شود، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده که خود موجب ابزار قواعد متعدد شده است. تمسک به هر یک از دو نظریه «سبب مقدم در تأثیر» و «سبب اقوی از مباشر»، دارای آثار متفاوتی است. طبق نظر مشهور در اولی سبب مقدم و در دومی، سبب اقوی، ضامن خواهند بود.

نظریه «سبب مقدم در تأثیر»، در جایی است که حداقل دو سبب به صورت طولی اجتماع کرده باشند (اجتماع اسباب) که آثار تمسک به این نظریه، موجب ضمان، سبب مقدم در تأثیر خواهد بود. صورت دیگر اجتماع عوامل طولی، اجتماع سبب و مباشر است. بنابر نظر مشهور فقیهان^۳، در این حالت، مباشر ضامن است، مگر به استناد نظریه «سبب اقوی از

۳. محمدبن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، (قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ج ۲، ۱۳۷۲)، ص ۱؛ میرفتاح، مراغی، العناوین، ج ۱، (قم: نشر اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۴۳۵؛ فاضل‌هندی، کشف اللثام، ج ۲، (قم: نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق)، ص ۱۵۳؛ جمال‌الدین، علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۵، (قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۲۲ ق)، ص ۳۵۳؛ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۱۵، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱، ۱۴۱۶ ق)، ص ۴۹۴.

مباشر» که سبب ضامن شناخته می‌شود. لذا این نظریه در مواردی جاری است که مباشر تنها با یک سبب به صورت طولی اجتماع کرده باشد. در این صورت «سبب» به دو دلیل ضامن است: اولاً به جهت فعلیت بخشیدن به استعداد اضرار مباشر، و ثانیاً به جهت ابتدای مباشرت مباشر بر اقدام سبب. در این حالت نیز نتیجه، اعم از خسارت یا صدمه، به مباشر استناد نمی‌شود و همانند نظریه پیشین، از آثار تمسک به این نظریه، ضامن دانستن سبب است.

هرچند به تأیید بسیاری از فقیهان، لازمه و دائرمدار ضمان، احراز صحت و سقم رابطه استناد است و تدوین بسیاری از نظریات مانند نظریه «سبب مقدم در تأثیر» و «سبب اقوی از مباشر» به منظور تبیین ملاکی برای تعیین عامل ضامن وضع گردیده‌اند، لیکن در مواقعی که سبب خاصی در وقوع جنایت نقش مؤثری داشته باشد، معمولاً همان ضامن فرض می‌شود.

در فرض اجتماع سبب و مباشر یا چند سبب به صورت طولی، اغلب فقیهان و حقوق دانان اسلامی به مسئولیت عامل واحد (سبب یا مباشر) معتقدند و در این میان، برخی سبب نزدیک و عده‌ای سبب مقدم در تأثیر را مسئول قلمداد کرده‌اند.^۴ به عبارت دیگر، مسئولیت سبب واحد از آن جنبه خواهد بود که ضرر وارده با وجود سایر اسباب، صرفاً با این سبب رابطه استنادی داشته و تقدم یا تأخر تأثیر و یا تقدم ایجاد، واجد نقش مؤثری است.

گذشته از اینکه در بحث اجتماع اسباب، برخی عدالت را در این دیده‌اند که همه اسباب مسئول شناخته شوند یا عده‌ای مقتضای عدالت را مسئولیت اسباب به نسبت دخالت و تأثیر آنها دانسته‌اند،^۵ لیکن با توجه به تفاوت ظاهری هریک از دو نظریه یادشده، پرسش اساسی اینست که آیا ماهیت ضمان سبب در هر دو نظریه یکسان است؟ ملاک ضمان سبب مقدم در تأثیر در حالت اجتماع اسباب طولی چیست؟ آیا سبب مقدم در تأثیر همان سبب اقوی در نظریه «سبب اقوی از مباشر» است؟ مهم‌تر اینکه در حالت اجتماع طولی، آیا می‌توان

۴. محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۱؛ میرفتاح، مراغی، پیشین، ص ۴۳۵؛ فاضل هندی، پیشین، ص ۱۵۳؛ جمال‌الدین، علامه حلی، پیشین، ص ۳۵۳؛ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، شهید ثانی، پیشین، ص ۴۹۴.

۵. اسدالله، لطفی، «مبانی فقهی حقوقی اسباب در مسئولیت مدنی»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، ش ۲ (۱۳۹۳)، ص ۲۷۲.

به جای نظریه «سبب مقدم در تأثیر» به «سبب اقوی از مباشر» استناد کرد؟ با تمرکز بر این دو نظریه، درمی یابیم که پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش‌ها داده شده است.

فرضیه اصلی این مقاله، بر این امر استوار است که دو نظریه یادشده از نظر ماهوی متفاوتند و استناد به هریک از دو نظریه در جایگاه خاص خود با توجه به اوضاع و احوال صورت می‌پذیرد. لذا نمی‌توان برای شناخت سبب ضامن، به جای نظریه «سبب مقدم در تأثیر» به نظریه «سبب اقوی از مباشر» و برعکس استناد کرد. با توجه به مطالب پیش گفته، نخست عوامل مداخله‌گر در ارتکاب جرم (سبب و شرط) مورد بازتشیخ و شناسایی دقیق قرار داده خواهند شد. سپس در مورد تقدم و تأخر در تأثیر و اثر آن در ضامن سبب، سخن گفته، دلایل اقواییت سبب بررسی خواهد شد. در ادامه بعد از نقد دیدگاه‌های مختلف و ارزیابی دو نظریه، دیدگاه نویسندگان در قالب نتیجه بیان شده است.

۱. بازتشیخ و تبیین مفاهیم «سبب» و «شرط»

با توجه به اینکه از یک سو، مفهوم سبب به عنوان فصل مشترک دو نظریه یادشده به کار رفته است و از سوی دیگر نیز سبب با مفهوم شرط دارای نزدیکی فراوانی است و این شباهت‌ها نیز باعث دشواری در تشیخ آنها از یکدیگر می‌گردد. لازم است در این قسمت به بررسی این مفاهیم بپردازیم تا جایگاه کاربرد هریک نیز در عمل مشخص شود.

همان‌طور که گذشت، مداخله در جرم به سه صورت مباشر، سبب و شرط، امکان‌پذیر است و حقوق جزا نیز به دنبال تعقیب و مجازات این گروه از مداخله‌کنندگان جرم است. مباشرت، ارتکاب مستقیم جرم است. به عبارتی، مباشر عاملی است که از وجودش، وجود معلول و از عدمش، عدم معلول لازم می‌آید. مانند شلیک کردن یا خفه کردن با دست که مباشرت در قتل محسوب می‌شود.

از طرفی، در مواردی مداخله بزهکار در وقوع جرم فراتر از اقدامات ایجادکننده شرط و ضعیف‌تر از علت است؛ به گونه‌ای که جانی با ایجاد سبب جنایت بدون آنکه خود به طور مستقیم در آن مباشرت نماید مرتکب جرم می‌شود. این همان تسبیب در جرم است. در تعریف منطقی سبب، مشهور است که گفته می‌شود: سبب چیزی است که از وجود آن، وجود

حکم لازم نمی‌آید، اما از عدم آن، عدم حکم لازم می‌آید. به عبارتی، سبب هر امری است که موجب تلف به آن حاصل شود، ولی به علتی دیگر به نحوی که اگر آن سبب نباشد، علت هم به وجود نمی‌آید و یا مؤثر واقع نمی‌شود و برخی گفته‌اند که سبب آن چیزی است که آن را فی‌الجمله اثری در تولید هست مانند علت^۶.

در لغت، شرط به معنای الزام و التزام آمده است^۷ که در تعریف شرط نیز آورده‌اند: آنچه از عدم آن، عدم ایجاد می‌شود، اما از وجود آن، وجودی محقق نمی‌شود^۸. با استقرا در متون فقهی می‌توان این نکته را استخراج کرد که معنای فقهی شرط از معنای منطقی آن دور و به تعبیر لغوی آن نزدیک شده است^۹؛ چه در تعبیر فقهی نیز آن را به الزام و التزام معنا کرده‌اند^{۱۰}؛ بنابراین، شرط هر چیزی است که تأثیر فعل جانی متوقف بر وجود آن است؛ اگرچه خود آن در وقوع جنایت دخالت نداشته، در آن بی‌تأثیر باشد^{۱۱}؛ همانند تیزبودن آلت جرح که شرط لازم برای تأثیر مباشرت در جنایت است.

به این ترتیب، تفاوت سبب و شرط در بحث عدم نیست؛ چه با نبود هر دو، مسبب و مشروط نیز تحقق نخواهند یافت؛ بنابراین تفاوت این دو در بعد وجودی است؛ چه از وجود سبب، «وجود» می‌آید، اما از وجود شرط، مشروط ایجاد نمی‌شود^{۱۲}. با این حال، از وجود «شرط»، عدم زاییده نخواهد شد؛ این ویژگی فارق میان شرط و مانع است؛ چه از وجود مانع، عدم ایجاد می‌شود^{۱۳}.

حقیقت آنست که معنای سبب و شرط در اصول فقه، مترادف با معنای این دو اصطلاح در منطق است و همان معنای منطقی در علم اصول نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد^{۱۴}.

۶. ابراهیم، یاد، حقوق جزای اختصاصی، (تهران: بی‌نا، ج ۳، ۱۳۵۲)، ص ۱۹۳.

۷. الشرط فی اللغة بمعنی إلزام الشئ و التزامه فی البیع ونحوه، كما فی القاموس؛ رک. محمدتقی، رازی، هدایه المسترشدين، ج ۲، (بی‌جا: مؤسسه نشر، بی‌تا)، صص ۴۲۰-۴۲۱.

۸. عباس، میرشکاری، «بررسی مفهومی و مصداقی سبب و شرط در حقوق مدنی»، ماهنامه کانون، ش ۱۱۳ (بی‌تا)، ص ۸۰.

۹. زکریا، انصاری، فتح الوهاب، ج ۱، (بی‌جا: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۱۸)، ص ۸۷.

۱۱. محمدهادی، صادقی، حقوق جزای اختصاصی «۱» (جرائم علیه اشخاص)، (تهران: نشر میزان، ج ۲۰، ۱۳۹۳)، صص ۸۳-۸۴.

۱۲. سید ابوالقاسم، خونی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، ج ۵، (بی‌جا: دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۸)، صص ۲۶۶-۲۶۱.

۱۳. محمدبن احمد، شربینی، الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع، ج ۱، (بی‌جا: دارالمعرفه، بی‌تا)، ص ۱۱۰.

۱۴. سید ابوالقاسم، خونی، پیشین.

در واقع، «شرط» هیچ تأثیری در وقوع جنایت ندارد، هرچند تأثیر عامل مؤثر متوقف بر وجود آن است؛ درحالی که «سبب» خود در حدوث نتیجه مؤثر است، لیکن نه به قوت تأثیر «علت». بنابراین با توجه به تعریف سبب و شرط می‌توان گفت، سبب درواقع همان «شرط مؤثر» است و شرط، «سبب غیرمؤثر»^{۱۵}.

بر این اساس، ملاک بارز در تشخیص سبب از شرط را می‌توان «تأثیر» و الزامات و مقدمات آن معرفی نمود. مقدمه فعلیت یافتن تأثیر، وجود عدوان یا به عبارتی داشتن استعداد ضرر است، زیرا عوامل غیرعدوانی اساساً نمی‌توانند در حدوث نتیجه دخالت یا تأثیری داشته باشند. در واقع، سبب عبارت است از عاملی که اولاً دارای عدوان به معنی قابلیت اضرار است و ثانیاً در شرایط فعلیت دارای تأثیر است؛ درحالی که شرط، فاقد عدوان و استعداد ضرر بوده، در حدوث نتیجه فاقد اثر است. در این خصوص بین امور کیفری و مدنی هیچ تفاوتی وجود ندارد، بلکه ضمان عامل در اینجا به جهت وجود رابطه انتساب مادی بوده، عمدی یا غیرعمدی بودن رفتار تأثیری بر ضمان یا عدم ضمان عامل ندارد.

از این رو، عنوان تسبیب در کلام فقیهان حسب مورد، گاهی سبب مؤثر جرم (سببیت) و گاهی سبب غیرمؤثر (شرطیت) برای تحقق جرم است. به عبارت دیگر، در این حالت، تسبیب به معنای زمینه‌سازی برای وقوع جرم است؛ اعم از اینکه در مقام فاعل جرم و یا معاون آن قرار گیرد. در صورتی که سبب، با واسطه عنصر مادی جرم را مرتکب شده باشد و عرف جرم را به وی منتسب بداند، فاعل جرم است^{۱۶}؛ مانند برانگیختن حیوانی به سوی مجنی‌علیه و کشته شدن وی از سوی حیوان.

با توجه به مطالب پیش گفته و تبیین جایگاه «مباشراً»، «سبب» و «شرط»، بررسی صور اجتماع اسباب در این قسمت ضروری به نظر می‌رسد. در حالت اجتماع اسباب، سه حالت برای اسباب قابل تصور است.

▪ **فرض اول**، آنکه همه اسباب عدوانی باشند. عدوانی بودن، یعنی هر فعلی چه به

۱۵. محمدهادی، صادقی، پیشین، ص ۸۵

۱۶. عباس، محمدخانی، «نقدی بر یک رأی در خصوص سبب اقوی از مباشر»، فصلنامه حقوقی دادگستری، ش ۷۰ (۱۳۸۹)، صص ۹۷-۹۹.

مباشرت و چه به تسبیب زمانی می‌تواند موجب ضمان شود که قابلیت اضرار به غیر را داشته باشد؛ مانند آنکه چاهی در محل عبور مردم بکند و علائم هشداردهنده ای نصب نکند. در حالت عدوانی بودن همه اسباب، ظاهر آن است که ضمان بر سببی باشد که تأثیرش سابق است، اگرچه حدوث آن متأخر باشد.^{۱۷} شهید ثانی نیز در مسالک الافهام می‌نویسد: «در این شرایط ضمان بر سببی که در تأثیر مقدم بوده، حواله می‌شود، مشروط بر اینکه بر عمل همگی، عنوان تعدی و عدوان صادق باشد».^{۱۸}

▪ **فرض دوم**، فقط یکی از آنها عدوانی باشد. در این حالت، اسباب متعددی وجود دارد که فقط یکی از آنها عدوانی است؛ برای نمونه، کسی سنگی را در ملک خود قرار دهد و متعدی چاهی حفر کند و ثالث به آن برخورد و در چاه سقوط کند، بنابر نظر مشهور فقیهان، ضمان بر عهده حافر متعدی است؛ بنابراین اصل تقدم در تأثیر، در اجتماع اسباب تا جایی کاربرد دارد که سبب‌ها همگی عدوانی باشند. از این رو، سببی که عدوانی نباشد، ضامن نخواهد بود.^{۱۹} لذا، هرگاه بر اثر اجتماع سبب عدوانی با سبب غیرعدوانی جنایتی محقق شود، در بیشتر موارد، حادثه به سبب عدوانی منسوب و همو ضامن است.

▪ **فرض سوم**، هیچ‌یک از اسباب متعدی و عدوانی نباشند. در این حالت، اگرچه دو یا چند عامل به نحو سبب در وقوع جنایت مداخله داشته‌اند، لیکن به جهت غیرعدوانی بودن فعل هریک از آنها، نتیجه به آن اسباب مستند نمی‌شود. برای نمونه، فردی در ملک خود سنگی قرار دهد و دیگری به اذن وی چاهی را در کنار سنگ حفر نماید و سارقی بعد از ورود غیرمجاز به ملک، بر اثر برخورد با سنگ به چاه افتاده، تلف شود، ضمانی بر عهده مسببان نخواهد بود؛ مگر آنکه عمل آن دو متضمن غرور باشد، مانند آنکه روی چاه حفرشده را بپوشاند و دیگری را به آنجا بخواند که در این حالت سبب ضامن خواهد بود.^{۲۰} یا بر طبق ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی فردی را به محل

۱۷. سید روح‌الله، موسوی خمینی، *تحریر الوسیله*، (قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، ج ۲، ۱۴۱۴ ق)، ص ۵۱۲.

۱۸. زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، شهید ثانی، پیشین، ص ۴۹۴.

۱۹. همان.

۲۰. جمال‌الدین، علامه حلی، پیشین، ص ۲۶۱؛ سیدابوالقاسم، خوئی، *میانی تکمله المنهاج*، (قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ج

۳، ۱۴۲۸)، ص ۳۹۹.

تصرف خود فرا بخواند و در خصوص وجود حیوان یا شیئی در آنجا با سهل انگاری مرتکب تقصیر شده باشد که از باب سبب ضامن است؛ بنابراین، اگر فرد آسیب دیده با علم و آگاهی خود را در معرض خطر قرار دهد، ضمانی برعهده سبب نخواهد بود، چراکه علم او سبب را از حالت عدوانی خارج می‌کند. تبصره ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی در این باره اشعار می‌دارد: «در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان [یا شیئی] خطرناک است و [ذندهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضمان متفی است».

۲. ارزیابی دلایل استناد به دو نظریه پیش گفته

طرف‌داران هر کدام از نظریه‌های «سبب مقدم در تأثیر» و «سبب اقوی از مباشر» برای دفاع از موضع خود، به دلایل مختلفی استناد کرده‌اند که در ادامه بعد از تبیین جایگاه هر کدام، مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

۱.۲. تقدم و تأخر در تأثیر اسباب

حقوق‌دانان اسلامی و غربی در حالت اجتماع اسباب، تقدم و تأخیر در حدوث و تأثیر را در ضمان یک یا چند سبب، مفید دانسته‌اند. عده‌ای سبب مقدم در حدوث، برخی سبب مؤخر در حدوث، بعضی سبب مقدم در تأثیر و برخی دیگر سبب مؤخر در تأثیر و درنهایت عده‌ای، همه اسباب را ضامن دانسته‌اند. بررسی همه این نظریه‌ها در این مقال نمی‌گنجد. تحقق اجتماع طولی عوامل، منوط به ترتیب زمانی تأثیر هریک از آنها در وقوع نتیجه واحد است، چه در حدوث^{۲۱}، تقدم و تأخر داشته یا هم‌زمان واقع شده باشند. بنابراین، در این فرض تأثیر هر فعل نسبت به دیگری تقدم یا تأخر دارد، به طوری که در زمان وقوع زیان، تنها اثر یک عامل حضور دارد^{۲۲}.

۲۱. حدوث در واقع، زمان ایجاد آن سبب است؛ برای مثال اگر کسی چاه را حفر کند و نفر دوم سنگی در کنار آن قرار دهد. در حقیقت، حفر چاه در آغاز اتفاق افتاده و سپس قراردادن سنگ حادث شده است. حال اگر کسی بر اثر برخورد با سنگ به داخل چاه بیفتد و آسیب ببیند، در واقع، ابتدا سنگ تأثیر گذاشته و سپس چاه. پس همان‌طور که می‌بینیم بحث حدوث و تأثیر دو امر متمایز از یکدیگر هستند.

۲۲. محمدهادی، صادقی، پیشین، ص ۱۰۱.

برای روش شدن موضوع، ابتدا لازم است نگاهی به نظریه سبب مؤخر در تأثیر بیفکنیم. بر طبق این نظریه، باید اسباب دور از جنایت را کنار گذاشت و تنها به «سبب نزدیک» و متصل به جنایت نظر افکند، چون آخرین سبب، تأثیر بیشتری نسبت به اسباب مقدم دارد و تا قبل از وقوع آن، هیچ حادثه زیان‌باری رخ نمی‌دهد و اجتناب از وقوع ضرر امکان‌پذیر است.^{۲۳} گرچه با تمسک به این نظریه، تصمیم‌گیری برای دادرسان، سهل‌تر خواهد بود، ولی پذیرش این نظریه، بدون توجه به شرایط، متضمن بی‌عدالتی خواهد بود، به‌طوری که نزدیکی یا دوری سبب، معیار دقیقی برای انتساب مسبب نیست. هرچند در اغلب موارد، نزدیک‌ترین اسباب مؤثرترین آنها هم هست، لیکن گاه سبب اقوی دورترین سبب است و این طرز تفکر مسئله علیت را خیلی محدود می‌کند، چون آن را تنها به علت اتصال به نتیجه، محدود خواهد کرد و اسباب دیگر مورد اغماض واقع می‌شود.^{۲۴} البته در این نظر، ملاک روشنی برای درک مفاهیمی مانند «بی‌عدالتی» و «سبب اقوی» ارائه نمی‌شود.

در مقابل نظریه یادشده، نظریه «سبب مقدم در تأثیر» یا همان نظریه علیت غیرمستقیم مطرح است. این قاعده در ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی^{۲۵} از سوی قانون‌گذار پذیرفته شده است و از طرفی این نظریه را می‌توان به گروهی از فقیهان امامیه منتسب دانست که قول مشهور در فقه امامیه است.^{۲۶} بر اساس این نظریه^{۲۷}، سببی که از نظر زمانی زودتر از سایر

۲۳. محمداحمد، سراج، ضمان العدوان فی فقه الاسلامی، (قاہرہ: دارالثقافہ النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ ق)، ص ۲۴۵.

۲۴. رضا، نوربها، زمیہ حقوق جزای عمومی، (تہران: گنج دانش، چ ۲۷، ۱۳۸۸)، ص ۱۶۹.

۲۵. ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به‌صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه ...». برای مطالعه بیشتر، ر.ک. محمدهادی، صادقی، «اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۶ (۱۳۹۲)، صص ۳۳-۵۶؛ سید مرتضی، قاسم‌زاده، «مفہوم غیرقانونی‌بودن یا ناهنجاری فعل زیان‌بار»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۱۳ و ۱۴ (۱۳۷۸)، صص ۸۳-۱۱۵.

۲۶. جمال‌الدین، علامه حلی، تذکرۃ الفقہاء، (تہران: المکتبۃ المرتضویۃ، چ ۱، ۱۴۲۰ ق)، ص ۲۳۶؛ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، شہید ثانی، پیشین، ص ۳۴۲؛ میرزا حبیب‌اللہ، رشتی، الإجارۃ، (بی‌جا: چاپ سنگی، ۱۳۸۹)، ص ۴۰.

۲۷. صاحب جواهر در توضیح عدوانی بودن عمل مسبب می‌نویسد: «کما لو حفر بئراً مثلاً فی ملکہ و احدهما المتعدی حجراً فتعثر بہ انسان او العکس فان الضمان علی المتعدی منهم فی الصورتی». نک: محمدحسن، نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ج ۴۲، (تہران: المکتبۃ الإسلامیۃ، چ ۶، ۱۴۰۴ ق)، ص ۱۴۶.

اسباب تأثیر بگذارد و از این حیث مقدم بر سایر اسباب باشد، مادام که مباشری در بین نباشد، حکم ضمان از عهده آن برداشته نمی‌شود.^{۲۸}

عده‌ای می‌گویند، نظریه سبب مقدم در تأثیر، دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد، مگر اینکه سبب مقدم در تأثیر را سبب متعارف تلقی کنیم. به عبارت دیگر، این نظر مفید یک اماره قانونی بوده که خلاف آن قابل اثبات است؛ یعنی فرض قانون‌گذار این است که سبب مقدم در تأثیر همان سببی است که ضرر در عرف منتسب به اوست؛ مگر اینکه خلاف آن به اثبات برسد.^{۲۹} بدیهی است در اینجا مراد از قوت و ضعف تأثیر، میزان «واقعی» تأثیر و نقش سبب و مباشر در حدوث زیان است و نه تأثیر اعتباری که به پندار عرف وابسته و مقید است.^{۳۰}

عده‌ای در استدلال گفته‌اند که عرف در این گونه امور، تلف را مستند به سببی می‌داند که پیش از دیگر اسباب در ایجاد حادثه اثر کرده است.^{۳۱} شهید ثانی در این خصوص می‌فرماید: «در مثال واضع سنگ و حافر چاه، واضع سنگ در حکم مباشر جنایت است و چون در اجتماع مباشر و سبب، مباشر ضامن است، پس سبب اول در اینجا مسئول است و از سوی دیگر «عرف» در اجتماع اسباب، نتیجه مجرمانه را مستند به عملی می‌داند که زودتر در تحقق پدیده مجرمانه اثر کرده است»^{۳۲} و عده‌ای از فقیهان امامیه در تأیید این نظر، سبب دوم را در حکم شرط تأثیر نخستین سبب تلقی کرده، سبب اول را مباشر دانسته‌اند.^{۳۳}

حال آنکه تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در فرض اجتماع اسباب، با اینکه مشهور فقیهان در فرض پیش گفته از نظریه سبب مقدم در تأثیر پیروی کرده‌اند، نظریه ضمان سبب عدوانی و نظریه تساوی اسباب مطابقت خیلی زیادی با فهم عرف دارد، در حالی که نظریه سبب مقدم در تأثیر مورد تأیید فهم عرفی نبوده است.^{۳۴} ضمن اینکه قیاس سبب مقدم در

۲۸. میرزا حسن، موسوی بجنوردی، *القواعد الفقهیه*، (قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۱۳ ق)، ص ۳۹.

۲۹. سید احمدعلی، هاشمی، «اسباب متعدد در مسئولیت مدنی»، *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی*، ش ۲ (۱۳۹۲)، ص ۹.

۳۰. محمدهادی، صادقی، *حقوق جزای اختصاصی «۱» (جرایم علیه اشخاص)*، (تهران: نشر میزان، ج ۲۰، ۱۳۹۳)، ص ۱۲۰.

۳۱. اسدالله، لطفی، پیشین، ص ۲۷۶.

۳۲. سید احمدعلی، هاشمی، پیشین، ص ۸.

۳۳. غلامرضا، حاجی‌نوری، «مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسئولیت مدنی»، *دوفصلنامه فقه و حقوق اسلامی*، ش ۱

(۱۳۸۹)، ص ۸۵.

۳۴. جواد، ریاحی، *تفاهم عرفی در رابطه استناد*، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶، صص ۹۵-۹۸.

تأثیر، با مباشر تلف صحیح نیست، زیرا فرض بر این است که این سبب نیز تنها زمینه و مقتضی ورود ضرر را فراهم می‌آورد (شرط) و رابطه مستقیمی با اضرار ندارد. از طرفی، رابطه استناد یک امر واقعی است، نه عرفی؛ و گرنه شناخت عامل ضامن از عرفی به عرف دیگر متغیر خواهد بود و این امر با مادی بودن (واقعی بودن) رابطه استناد در تناقض است.

همچنین، استدلال شده است که با یقین به تأثیر سبب مقدم، شک لاحق ناشی از تأثیر اسباب متأخر محلی از اعراب ندارد و در واقع اثر سبب مقدم استصحاب می‌شود.^{۳۵} این استدلال نیز قابل پذیرش نیست و نمی‌توان ضمان واضح سنگ را استصحاب نمود. اگر این گونه باشد، به محض اینکه شخصی به سنگ برخورد کند، ضمان واضح سنگ ایجاد می‌شود و این ضمان حتی اگر بعدها چاهی در کنار سنگ حفر شود، به جهت برخورد سابق عابر با سنگ، استصحاب می‌شود. از طرفی، اصولاً در اینجا یقین سابق وجود ندارد تا در شک لاحق بتوان آن یقین سابق را استصحاب کرد^{۳۶}؛ بنابراین، بایستی به دنبال دلایل علمی و واقعی بود. برای دستیابی به این دلایل، بررسی اقوائت در اجتماع طولی اسباب و نقد دیدگاه‌های مختلف را در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲.۲. ملاک‌های اقوائت اسباب

اجتماع طولی عوامل مؤثر در زیان واحد، منحصر به دو صورت «اجتماع اسباب» و «اجتماع سبب و مباشر» است که بر اساس قول مشهور فقیهان در صورت «اجتماع سبب و مباشر»، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد^{۳۷}. مفهوم این نظریه آن است که اولاً در اجتماع سبب و مباشر همواره فقط یک طرف (سبب یا مباشر) مسئول است و ثانیاً طرف مسئول علی‌القاعده مباشر است و مسئولیت سبب امری استثنایی و منوط به اقوی بودن آن است؛ در نتیجه، حتی در حالت تساوی سبب و مباشر نیز مباشر ضامن است،

۳۵. محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۱۴۶.

۳۶. محمود، کاشانی، جزوه درسی حقوق مدنی (الزامات غیرقراردادی)، (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴)، ص ۶۹.

۳۷. ماده ۳۳۲ قانون مدنی در این باره اشعار می‌دارد: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه سبب، مگر اینکه سبب، اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد». البته قسمت اخیر ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، بدون اتخاذ رویه ثابت و استناد به قواعد فقهی و حقوقی معتبر، این موضوع را متذکر شده است. «... در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است».

نه هر دو^{۳۸}؛ بنابراین، اجتماع سبب و مباشر در سه فرض یا حالت مختلف قابل تصور است که هر یک را به طور جداگانه بررسی خواهیم کرد:

• **فرض اول**، اقوی بودن تأثیر مباشر. فرض بر این است که مباشر و سبب هر دو در ایراد صدمه یا خسارت مؤثرند، اما تأثیر مباشر بیشتر از سبب است و این حالت، سالب به انتفای موضوع است و مثال‌هایی که برای این حالت آورده‌اند همگی دارای اشکال است؛ مانند مثالی که فردی گوسفند شخص دیگری را می‌دزدد و به دوستش می‌گوید این گوسفند را ذبح کن و از گوشتش استفاده کن. این از موارد قاعده غرور است.^{۳۹} در واقع، اصل بر اقوی بودن مباشر از سبب است، چون مباشر موجب علت است^{۴۰} و در ایجاد صدمه و خسارت، تأثیر سبب همواره ضعیف‌تر از مباشر دخالت می‌کند^{۴۱}، چون علت هر امری است که از وجود آن معلول و از عدم آن معلول لازم آید^{۴۲}؛ بنابراین، مباشر کسی است که نزدیک‌ترین علت را فراهم می‌سازد^{۴۳} و با وجود مباشر، مجالی برای مسئولیت سبب نخواهد بود^{۴۴}. در این حالت با تمسک به رأی مشهور فقیهان اسلامی^{۴۵} که متکی بر مبانی نظری و روایی مستحکم بوده و از پشتوانه استدلال عقلی نیز برخوردار است، مباشر ضامن خواهد بود^{۴۶}.

• **فرض دوم**، تساوی تأثیر سبب و مباشر است. در این فرض، مباشر و سبب هر دو در

۳۸. جلال‌الدین، قیاسی، «تساوی سبب و مباشر در حالت تقصیر طرفین»، فصلنامه فقه و حقوق، ش ۱۲ (۱۳۸۶)، ص ۷۸.
۳۹. سید احمد، میرحسینی و حسن، آب‌سواران، «بازپژوهی قاعده تسبیب و نقد قوانین آن»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق مدنی، ش ۱۰ (۱۳۹۳)، ص ۱۴۰.

۴۰. محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۹.

۴۱. محمدهادی، صادقی، پیشین، ص ۱۱۱.

۴۲. ابراهیم، پاد، پیشین، ص ۱۹۳.

۴۳. الظاهر ان المراد بها ایجاد اقرب العلل الی الزهوق ای المودیه ابتداء نک: محمدحسن، نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ج ۴۱، (تهران: المکتبه الإسلامیه، چ ۶، ۱۴۰۴ ق)، ص ۱۳.

۴۴. ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی در تعریف مباشرت آورده است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود».

۴۵. ابن‌الغلامه، ایضاح الفوائد، ج ۴، (بی‌جا: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹)، ص ۵۶۱؛ ابن‌البراج، المهذب، ج ۲، (بی‌جا: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ ق)، ص ۴۸۷؛ شهید اول، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، ج ۲، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۹)، ص ۳۱۲.
۴۶. برای مطالعه بیشتر، رک. محمدهادی، صادقی، «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه مطالعات حقوقی، ش ۲ (۱۳۹۳)، صص ۹۷-۱۲۳.

ایراد صدمه یا خسارت مؤثرند و میزان تأثیرشان مساوی است. این فرض در اجتماع طولی ممکن نیست، مگر در حالتی صحیح است که سبب و مباشر به صورت اجتماع عرضی باهم در ارتباط باشند که در این صورت، فارغ از میزان تأثیر، شرکت بین سبب و مباشر رخ می‌دهد و هر دو مسئول اند که از بحث مقاله خارج است. لذا اگر ارتباط سبب و مباشر به صورت اجتماع طولی باشد، فرض تساوی تأثیر سبب و مباشر غیرقابل تصور است، زیرا نمی‌توان برای سبب اثری همانند مباشر قائل شد و در عین حال، آن را سبب دانست.^{۴۷} یا جایگاه مباشر را در حد مسبب تنزیل داده، آن را مسبب دانست.^{۴۸} با وجود این، مشهور فقیهان قائل به مسئولیت مباشر شده‌اند^{۴۹} و از جمله دلایل موافقان تقدم مباشر بر سبب، می‌توان به اجماع فقیهان، حکم عقل و نظر عرف اشاره داشت.^{۵۰}

• **فرض سوم**، که موضوع اصلی برای بررسی در این مقاله است، اقوی بودن تأثیر سبب نسبت به مباشر است. در این حالت، اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود، این است که سبب و مباشر هر دو در ایراد صدمه یا خسارت مؤثرند، اما تأثیر سبب بیشتر از مباشر است. درحالی‌که این چنین تلقی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا در قضیه تسبیب فقط مسبب است که با ایجاد سبب باعث ضرر به دیگری می‌شود و اگر مباشری در ضرر رساندن مؤثر بوده باشد، دیگر این قضیه، تسبیب نیست.^{۵۱}

علت، همیشه در تأثیر، اقوی از سبب است. سبب در واقع، شرط تأثیر علت در حدوث معلول را فراهم می‌سازد و خود هرگز نقش مباشر را که علت وقوع زیان است ندارد و به طریق اولی نمی‌تواند قوی‌تر از آن عمل کند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که تحت چه شرایطی سبب اقوی از مباشر می‌شود؟

۴۷. محمدهادی، صادقی، حقوق جزای اختصاصی «۱» (جرائم علیه اشخاص)، (تهران: نشر میزان، چ ۲۰، ۱۳۹۳)، ص ۱۱۲.

۴۸. سید احمد، میرحسینی و حسن، آب‌سواران، پیشین، ص ۱۳۹.

۴۹. اسدالله، لطفی، پیشین، ص ۲۸۹.

۵۰. غلامرضا، حاجی‌نوری، «بازخوانی ضمان قهری به هنگام اجتماع سبب و مباشر»، فصلنامه حقوق، ش ۱ (۱۳۹۳) صص ۶۶-۶۷.

۵۱. سید احمد، میرحسینی و حسن، آب‌سواران، پیشین، ص ۱۳۹.

برخی تشخیص قوی بودن سبب در حالت اجتماع عوامل را با ملاک‌ها و معیارهای خاص خود از آن جمله، درجهٔ تقصیر سبب و نزدیکی زمانی و مکانی سبب ایجادی پذیرفته‌اند.^{۵۲} از این رو، ملاک و ضابطهٔ اقوی بودن سبب به وضعیت و شرایطی بازمی‌گردد که به لحاظ عدوان و تعدی آن را اقوی از مباشر می‌سازد و نه از حیث تأثیر مادی آن.^{۵۳} عده‌ای نیز سبب را زمانی اقوی می‌دانند که مباشرتِ مباشر مبتنی بر اقدام سبب باشد^{۵۴} و عدوان مباشر، ناشی از سبب باشد؛ به طوری که مباشر همچون ابزار و وسیله‌ای در دست سبب باشد.^{۵۵}

بنابراین، سبب زمانی اقوی از مباشر است که یا موتور محرک مباشر باشد؛ مانند اینکه مکره (سبب)، مباشر (مکره) را اکراه به صدمه به دیگری نماید که در این صورت اگرچه مباشر دارای ارادهٔ محدودی است، لیکن مبدأ صدور فعل مباشر، اقدام سبب است و این سبب همان سبب اقوی از مباشر است. در این حالت، ظهور علیت و اقدام مباشر مبتنی بر فعل سبب است. لذا آنچه اهمیت دارد، تقدم در تأثیر است که ابتدا سبب تأثیر گذاشته، سپس مباشر اقدام می‌نماید. از این رو، اقواییتِ سبب در این حالت، به جهت به حرکت درآوردن مباشر است و یا اینکه مبدأ صدور فعل مباشر سبب نیست و اقدام مباشر نیز غیرعدوانی است، ولی اقدام سبب که استعداد اضرار دارد موجبات عدوانی شدن اقدام مباشر را فراهم می‌آورد. در واقع سبب اقدامی انجام داده که فعل مباشر بدون خواستهٔ وی قابلیت اضرار پیدا کند، وگرنه قابلیت اضرار نداشته، لذا نتیجهٔ حاصله ناشی از اقدام سبب است. برای نمونه، (الف) غذای آلوده به سم را جلوی مباشر جاهل (ب) گذاشته، استعداد اضرار به غیر را ایجاد می‌کند. گرچه مباشر از روی اراده اقدام به خوردن غذای سمی می‌کند، لیکن سبب قابلیت اضرار را ایجاد کرده است. لذا معیار اقواییتِ سبب از دو حال خارج نیست: اول، ابتدای

۵۲. اسدالله، لطفی، پیشین، ص ۲۷۷.

۵۳. علی‌رغم اشکال وارده بر فرض اول و دوم، قانون‌گذار ایران بدون توجه به مبانی فقهی و حقوقی و تعیین ملاک روشن و مشخص، با اتخاذ معیارهای متغایر، به طرز عجیبی، تمام این سه فرض را در مادهٔ ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ گنجانده است. این موضوع نشان می‌دهد که اجتماعی طولی (اقوا بودن مباشر از سبب، اقوا بودن سبب از مباشر) و عرضی (تأثیر مساوی مباشر و سبب یا شرکت) خلط شده است.

۵۴. احمد، ابن رجب، قواعد ابن رجب، (بی‌جا: دارالکتب العلمیه، بی‌تا)، ص ۲۸۴.

۵۵. جمال‌الدین، علامه حلی، پیشین، ص ۳۵۳؛ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، شهید ثانی، پیشین، صص ۸۰-۸۵.

مباشرت مباشر بر اقدام سبب، و دوم، إسناد عدوان مباشر به سبب^{۵۶}.

۳. رابطه دو نظریه «سبب اقوی از مباشر» و «سبب مقدم در تأثیر»

گرچه از نظر حقوق دانان اسلامی جایگاه دو نظریه یادشده متفاوت است و نظریه «سبب مقدم در تأثیر» در حالت اجتماع اسباب، و نظریه «سبب اقوی از مباشر» در حالت اجتماع سبب و مباشر برای شناخت سبب ضامن کاربرد دارد، لیکن بررسی دقیق رابطه این دو نظریه و ارزیابی هر یک در شناخت عامل ضامن مفید به نظر می‌رسد.

از نظر اصولی، رابطه دو شیء نسبت به هم از چهار حالت خارج نیست: نخست، این دو شیء با وجود نقاط افتراق، هیچ‌گونه اشتراکی نسبت به یکدیگر ندارند (تباین). دوم، رابطه این دو شیء همانند یکدیگرند (تساوی). سوم، رابطه دو شیء نسبت به هم عموم و خصوص مطلق است. چهارم، رابطه دو شیء نسبت به هم عموم و خصوص من وجه است. برای احراز این رابطه، اشاره‌ای به نقاط اشتراک و افتراق دو نظریه پیش‌گفته می‌کنیم.

۳.۱. وجوه اشتراک

علاوه بر وجود وجوه افتراقی بین دو نظریه که پیش‌تر به آن پرداخته شد، اشتراکات اساسی بین این دو نظریه وجود دارد.

اول اینکه، کاربرد هر دو نظریه در رابطه استناد جهت شناخت عامل ضامن است، چون رابطه استناد یک امر مادی، واقعی و علمی است؛ بنابراین، تمسک به عرف و روایات وارده نمی‌تواند رابطه منطقی بین این دو نظریه را با إسناد مادی توجیه نماید.

دوم، کاربرد هر دو نظریه در حالتی است که عوامل به صورت طولی اجتماع کرده باشند نه عرضی؛ پس اگر اجتماع عوامل به صورت عرضی باشد، شرکت عوامل در ارتکاب جرم اتفاق افتاده، همه ضامن خواهند بود.

سوم، در هر دو نظریه، سبب ضامن شناخته می‌شود؛ در واقع، با اینکه نظریه «سبب

۵۶. محمدهادی، صادقی، پیشین، ص ۱۳۷؛ محمدعلی، اردبیلی و مصطفی، فروتن، «فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۳ (۱۳۹۵)، ص ۱۳.

مقدم در تأثیر» در حالت اجتماع اسباب، و نظریه «سبب اقوی از مباشر» در حالت اجتماع سبب و مباشر کاربرد دارد، لیکن هر دو نظریه بر ضمان سبب و شناخت سبب ضامن تأکید دارند. گرچه در هر دو حالت وجود مباشر ناگزیر است، ولی در اجتماع اسباب به جهت وجود بیش از یک سبب، به مباشر اشاره نمی‌شود.

چهارم، در هر دو نظریه فقط یک عامل (سبب) ضامن است؛ با اینکه برخی از حقوق دانان انصاف و عدالت را در آن دیده‌اند که در حالت اجتماع طولی نیز همه عوامل ضامن باشند، لیکن حقوق دانان اسلامی در این حالت بر ضمان سبب واحد تأکید داشته و دلیل آن را عدم استناد نتیجه به همه عوامل دانسته‌اند.

شایان ذکر است که دلیل ضمان سبب (در مقابل مباشر) در فقه به عمومات قاعده لاضرر و روایاتی برمی‌گردد که در زمینه حفر چاه و مانند آن آمده است. مطابق قاعده معروف فقهی و عقلی «لاضرر»، هیچ‌کس نباید به دیگری ضرری بزند و هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند. البته، استناد به قاعده «لاضرر» در جهت احصای سبب ضامن دارای اشکال اساسی است، چراکه قاعده لاضرر ناظر بر اصل کلی وجوب جبران ضرر است و لذا هرکس ضرری وارد کرد باید جبران کند، اما تعیین نمی‌کند چه کسی ضرر را وارد کرده است؛ درحالی که قاعده تسبیب در مقام آن است تا تعیین کند فعل زیان‌بار مستند به چه کسی است.

از جمله نصوصی که بر ضمان سبب دلالت می‌کند، می‌توان به صحیح زرار، صحیح حلبی و روایت سکونی از امام صادق (ع) اشاره کرد که حافر به دلیل صدق قاعده نامبرده بر عملش، در قبال نتایج آن مسئول است.^{۵۷} البته با توجه به واقعی بودن رابطه استناد، بایستی دلایل عقلی روایت مدنظر قرار گیرد، نه دلایل نقلی. لذا برخی معتقدند که نص شرعی در مورد مباشرت و تسبیب و تقدم یکی از آنها نداریم و معیار، صدق عرفی متلف است و مباشرت و تسبیب خصوصیتی ندارد.^{۵۸}

۵۷. محمدبن حسن، حر عاملی، پیشین، ص ۱.

۵۸. میرفتاح، مراغی، پیشین، ص ۴۳۵.

حال با عنایت به اشتراکات، تفاوت‌هایی بین این دو نظریه متصور است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود اینست که آیا اساساً این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت در ملاک‌ها و معیارهای این دو نظریه است؟

۳.۲. وجوه افتراق

در اینجا لازم است به منظور ارزیابی دقیق دو نظریه، بدو وجوه افتراق آنها ذکر شود. اولاً، ضمان‌پذیری در نظریه «سبب اقوی از مباشر»، در مواردی است که مباشر به همراه یک سبب عدوانی اجتماع طولی ایجاد کرده باشد؛ درحالی که نظریه «سبب مقدم در تأثیر»، در مواردی جریان دارد که به منظور تعیین عامل ضامن، حداقل یک مباشر به همراه چند سبب عدوانی در حالت رابطه طولی موجود باشد. ثانیاً، در نظریه «سبب اقوی از مباشر»، سبب اقوی، ولی در نظریه «سبب مقدم در تأثیر»، سبب مقدم، ضامن است.

ثالثاً، در نظریه «سبب اقوی از مباشر»، اقوایت سبب را در مقابل مباشر ملاک قرار می‌دهند؛ درحالی که اصولاً در نظریه «سبب مقدم در تأثیر»، صرفاً مقدم بودن تأثیر سبب را ملاک قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، در نظریه «سبب اقوی از مباشر»، به تقدم یا تأخر سبب در حدوث یا تأثیر توجهی نمی‌شود، لیکن در نظریه «سبب مقدم در تأثیر»، ملاک در تعیین سبب ضامن، تقدم در تأثیر است.

۳.۳. ارزیابی، نقد و بررسی دو نظریه یادشده

ایرادی که بر نظریه «سبب اقوی از مباشر» وارد شده، اینست که از لحاظ نظری فقط حالت وجود سبب اقوی را حل کرده است، ولی حکم موردی را که سبب‌ها از لحاظ تأثیر مساوی هستند بیان نمی‌کند، و تبیین نکرده است که در چنین حالتی هر دو سبب را ضامن بدانیم یا سبب مقدم در تأثیر را؟^{۵۹} اما، همان‌طور که پیش‌تر آمد، آنچه موجب اقوایت سبب می‌شود، «میزان» تأثیر نیست، بلکه معیار اقوایت سبب از دو حال خارج نیست: اول، ابتدای

مباشرت مباشر بر اقدام سبب، و دوم، اسناد عدوان مباشر به سبب.

به عبارت دیگر، در حالت اجتماع سبب و مباشر، سبب اقوی سببی است که یا موجب به حرکت درآمدن مباشر و انجام رفتار مجرمانه از سوی وی می‌شود یا قابلیت اضرار را در فعل مباشر فراهم می‌کند. به همین علت، مباشر کنار گذاشته شده، فقط سبب ضامن خواهد بود.

از طرفی، در اجتماع اسباب نیز مباشر به همان دلیلی که در نظریه «سبب اقوی از مباشر» در بالا مطرح شد، کنار گذاشته می‌شود. ولی در حالت اجتماع اسباب به جای یک سبب با چند سبب روبرو هستیم. پیش‌تر استدلال شد که «شرط»، همان «سبب غیرمؤثر» است؛ لذا در حالت اجتماع اسباب، از روی مسامحه، شرط را به جای سبب یا به عبارت بهتر «سبب غیرمؤثر» به کار می‌بریم. در نتیجه، در اجتماع اسباب فقط یک سبب مؤثر خواهیم داشت. حال دلیل ضامن بودن سبب مقدم در تأثیر چیست؟

در حالت اجتماع طولی اسباب، در مقابل قول مشهور در خصوص ضامن «سبب مقدم در تأثیر»، برخی از جمله فاضل هندی در مانحن‌فیه ضامن سبب اقوی در تأثیر را محتمل دانسته‌اند: «اگر کسی در چاه که در محل رفت‌وآمد مردم حفر شده، چاقویی قرار دهد و کسی در چاه بیفتد و به سبب وجود چاقو بمیرد، ضامن بر عهده حافر است؛ زیرا او به منزله کسی است که مقتول را بر روی چاقویی بیندازد»^{۶۰} و دلیل آن را قوی‌تر بودن عمل حافر چاه دانسته است. لذا برخی از حقوق‌دانان اسلامی در مقابل نظریه «سبب مقدم در تأثیر»، نظریه «سبب اقوی» را مطرح نموده، ولی ملاک‌های آن را تبیین نکرده‌اند؛ بنابراین، اشکال اساسی این دیدگاه این است که ملاک و معیار مشخص و روشنی برای تشخیص سبب اقوی ارائه نمی‌کند.

به نظر می‌رسد، آنچه بایستی در پذیرش قاعده «سبب مقدم در تأثیر» مدنظر قرار گیرد، این است که نخست، مبنای ضامن، تعدی و تفریط سبب باشد. دوم، سبب مقدم در تأثیر موجب تأثیر اسباب بعدی که همان شرط است، می‌شود. سوم، این سبب استعداد و قابلیت

اضرار (عدوان) اسباب دیگر را به فعلیت می‌رساند و چهارم، ابتدای سببیت اسباب دیگر بر تأثیر سبب مقدم باشد. این شروط، همان شروط لازم برای اقوئیت سبب در «اجتماع سبب و مباشر» است؛ بنابراین، فقیهان و حقوق‌دانان اسلامی به این جهت سبب مقدم در تأثیر را ضامن می‌دانند که نسبت به سایر اسباب و مباشر، اقوی است و اقوی بودن آن به این دلیل است که استعداد و قابلیت اضرار اسباب دیگر را فعلیت می‌بخشد.

لذا با وجود تفاوت ظاهری در دو نظریه «سبب اقوی از مباشر» و «سبب مقدم در تأثیر»، می‌توان گفت که سبب مقدم در تأثیر همان سبب اقوی است؛ با این تفاوت که در نظریه «سبب اقوی از مباشر»، اقوئیت سبب فقط در برابر مباشر است، ولی در نظریه «سبب مقدم در تأثیر»، اقوئیت سبب در برابر مباشر و سایر اسباب می‌باشد. از طرفی، اقوئیت هر دو نظریه معطوف به تأثیر در نتیجه یا استناد است؛ یعنی اقدام سبب مقدم بر سبب یا اسباب دیگر و سبب اقوی بر مباشر «مؤثرتر» است.

در مثال معروف واضح سنگ و حافر چاه که عابر پیاده‌ای در آن سقوط می‌کند، عابر، مباشر است و واضح سنگ و حافر چاه مجموعه‌ای از اسباب طولی را به‌وجود آورده‌اند که علاوه بر تقدم و تأخر در تأثیر، نسبت به یکدیگر نیز متأثرند و این ویژگی روابط طولی اسباب است. در این مثال ساده، سبب مقدم در تأثیر یا واضح سنگ همان سبب اقوی است که علت اقوئیت آن نیز نسبت به مباشر از یک سو، به این دلیل است که عدوان مباشر به سبب منسوب است و از طرف دیگر نسبت به سایر اسباب معد و باعث به‌فعلیت رسیدن عدوان اسباب دیگر می‌شود و در واقع، تأثیر سایر اسباب عدوانی منوط به اقدام و تأثیر این سبب (سبب مقدم) است.

بنابراین، در مواقع وجود سبب عدوانی با مجموعه‌ای از اسباب غیرعدوانی و مباشر، تنها یک سبب اقوی وجود دارد. در مثال سنگ و چاه، ممکن است به لحاظ شرط «عدوان»، «تأثیر» و «اقوئیت»، حافر چاه یا واضح سنگ ضامن باشد. لذا اگرچه در ظاهر این نظریه معیار ضمان تقدم یا تأخر است، اما مفهوم و مبانی اصلی این نظریه، همان «اقوئیت در تأثیر» است، چون ابتدای سبب بعدی بر سبب اول است؛ به عبارت دیگر، سبب اولی تأثیر سبب دوم را فراهم می‌سازد.

ضمناً در موارد وجود سلسله طولی از اسباب عدوانی به همراه مباشری که اقوی از مجموعه این اسباب است نیز مباشر ضامن بوده، مجالی برای کاربرد سبب مقدم در تأثیر نیست؛ مانند حالتی که فرد دیگری را هل داده، در اثر این هل دادن پای او به سنگی برخورد می‌کند و به چاه می‌افتد که در اینجا فرد هل‌دهنده (مباشر) اقوی از اسبابی مانند واضح سنگ و حافر چاه است، زیرا عدوان و آثار سایر اسباب (شروط)، ناشی از عمل مباشر و منسوب به اوست.

در نتیجه، می‌توان گفت که در دو نظریه مورد مطالعه، ملاک و معیار ضامن، «اقوائت» است. لیکن در نظریه «سبب اقوی از مباشر»، وجود یک سبب و در نظریه «سبب مقدم در تأثیر» وجود بیش از یک سبب لازم دانسته شده است و بدون نیاز به سایر نظریات، فقط با تمسک به نظریه «سبب اقوی»، می‌توان عامل ضامن را شناسایی کرد.

به این صورت، ملاک ضامن بودن سبب مقدم در تأثیر در حالت اجتماع اسباب طولی، همان ملاک سبب اقوی در حالت اجتماع سبب و مباشر است. به عبارت بهتر، سبب مقدم در تأثیر، همان سبب اقوی در نظریه «سبب اقوی از مباشر» است. لذا می‌توان به جای نظریه «سبب مقدم در تأثیر» به «سبب اقوی از مباشر» استناد کرد و فرضی که دو نظریه یادشده را از نظر ماهوی متفاوت می‌دانست و قائل به استناد به هریک از دو نظریه در جایگاه خاص خود با توجه به اوضاع و احوال بود، رد می‌شود.

نتیجه

موضوع رابطه استناد در همه نظام‌های حقوقی دارای اهمیت ویژه‌ای است. همچنین، ضوابط احراز عامل ضامن از مباحث پیچیده‌ای است که موجب ارائه نظریات متفاوت و متغیری شده است. اجتماع طولی عوامل مداخله‌گر جرم (مباشر، سبب و شرط) موجب پیچیده‌تر شدن این رابطه شده است. گاهی این اجتماع طولی و گاه عرضی است.

مهم این است که دادرس تمام سعی خود را به کار بگیرد تا رابطه استناد بین نتیجه و فعل مسبب را کشف نماید؛ شناخت عامل ضامن (مباشر یا سبب) دائر مدار صحت انتساب و استناد واقعی صدمه یا خسارت به رفتار مرتکب و احراز عدوانی بودن رفتار است.

با عنایت به بررسی‌های یادشده و نظریات مختلفی که دربارهٔ ضمان «سبب اقوی از مباشر» و «سبب مقدم در تأثیر»، مطرح شده، این نتیجه به‌دست آمده است که معیار اقوائت سبب از دو حال خارج نیست: اول، ابتدای مباشرت مباشر بر اقدام سبب، و دوم، اسناد عدوان مباشر به سبب. از طرفی اثبات شد که مؤثر بودن سبب در نظریه «سبب مقدم در تأثیر» و ضامن بودن سبب مقدم در تأثیر نیز به دلیل اقوی بودن آن از مباشر و سایر اسباب است؛ به عبارتی «سبب مقدم در تأثیر» همان «سبب اقوی» است. لذا این دو نظریه با دو عنوان متفاوت، اما با مفهوم، مبانی و هدف یکسان در پی تشخیص عامل ضامن هستند.

از این رو، رابطهٔ این دو نظریه به صورت «عموم و خصوص مطلق» است؛ یعنی «سبب مقدم در تأثیر»، همان «سبب اقوی» است، اما «سبب اقوی» لزوماً «سبب مقدم در تأثیر» نیست. می‌توان گفت که در دو نظریهٔ پیش‌گفته ملاک و معیار ضمان، اقوائت است؛ لیکن در نظریهٔ «سبب اقوی از مباشر»، وجود یک سبب و در نظریهٔ «سبب مقدم در تأثیر» وجود بیش از یک سبب لازم دانسته شده است؛ بنابراین، در حالت اجتماع طولی، با تمسک به نظریهٔ «سبب اقوی»، می‌توان عامل ضامن را شناسایی نمود.

لذا، هرگاه خسارت یا صدمه‌ای به شخصی مستند گردید، همو ضامن خواهد بود؛ خواه عامل جنایت یا خسارت با سوء قصد یا بدون سوء قصد مرتکب آن رفتار شده باشد و خواه آن فعل به مباشرت صورت گرفته باشد یا به تسبیب و یا اجتماع آن دو یا اجتماع اسباب. در حالت تزامن اسباب ضمان نیز آن سببی که اقوی از اسباب دیگر است، ضامن خواهد بود.

در نتیجه، با وجود نظریهٔ جدیدی با عنوان «عامل اقوی» که در این مقاله ارائه می‌شود، ضرورتی به استناد نظریهٔ «سبب مقدم در تأثیر» نیست؛ اگرچه با تمسک به این نظریه، صدور احکام برای دادرسان تسهیل شده است، چراکه سبب مقدم در تأثیر همان «سبب یا عامل اقوی» است. از طرفی در سبب اقوی از مباشر نیز سبب، «عامل اقوی» است؛ حتی در اجتماع سبب و مباشر، اصل ضامن بودن مباشر به جهت «اقوی» بودن آن است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتابها

۱. پاد، ابراهیم، *حقوق جزای اختصاصی*، (تهران: بی نا، چ ۳، ۱۳۵۲).
۲. ریاحی، جواد، *تفاهیم عرفی در رابطه استناد*، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶.
۳. صادقی، محمدهادی، *حقوق جزای اختصاصی «۱» (جرائم علیه اشخاص)*، (تهران: نشر میزان، چ ۲۰، ۱۳۹۳).
۴. کاشانی، محمود، *جزوه درسی حقوق مدنی (الزامات غیرقراردادی)*، (تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴).
۵. نوریها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، (تهران: گنج دانش، چ ۲۷، ۱۳۸۸).

- مقالات

۶. اردبیلی، محمدعلی و فروتن، مصطفی، «فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۷۳ (۱۳۹۵).
۷. حاجی نوری، غلامرضا، «بازخوانی ضمان قهری به هنگام اجتماع سبب و مباشر»، *فصلنامه حقوق*، ش ۱ (۱۳۹۳).
۸. حاجی نوری، غلامرضا، «مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسئولیت مدنی»، *فصلنامه مطالعات حقوقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)*، ش ۱ (۱۳۸۹).
۹. صادقی، محمدهادی، «اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۶ (۱۳۹۲).
۱۰. صادقی، محمدهادی، «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *فصلنامه مطالعات حقوقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)*، ش ۲ (۱۳۹۳).
۱۱. قاسم‌زاده، سید مرتضی، «مفهوم غیرقانونی بودن یا ناهنجاری فعل زیان‌بار»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۱۳ و ۱۴ (۱۳۷۸).

۱۲. قیاسی، جلال‌الدین، «تساوی سبب و مباشر در حالت تقصیر طرفین»، *فصلنامه فقه و حقوق*، ش ۱۲ (۱۳۸۶).
۱۳. لطفی، اسدالله، «مبانی فقهی حقوقی اسباب در مسئولیت مدنی»، *فصلنامه پژوهش‌های فقهی*، ش ۲ (۱۳۹۳).
۱۴. محمدخانی، عباس، «نقدی بر یک رأی در خصوص سبب اقوی از مباشر»، *فصلنامه حقوقی د/دگستری*، ش ۷۰ (۱۳۸۹).
۱۵. میرحسینی، سید احمد و آب‌سواران، حسن، «بازپژوهی قاعده تسبیب و نقد قوانین آن»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق مدنی*، ش ۱۰ (۱۳۹۳).
۱۶. میرشکاری، عباس، «بررسی مفهومی و مصداقی سبب و شرط در حقوق مدنی»، *ماهنامه کانون*، ش ۱۱۳ (بی‌تا).
۱۷. هاشمی، سید احمدعلی، «اسباب متعدد در مسئولیت مدنی»، *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی*، ش ۲ (۱۳۹۲).

ب) عربی

۱۸. ابن البراج، *المهذب*، ج ۲، (بی‌جا: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ ق).
۱۹. ابن‌العلامة، *ایضاح الفوائد*، ج ۴، (بی‌جا: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹ ق).
۲۰. ابن رجب، احمد، *قواعد ابن رجب*، (بی‌جا: دارالکتب العلمیه، بی‌تا).
۲۱. انصاری، زکریا، *فتح الوهاب*، ج ۱، (بی‌جا: دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۸ ق).
۲۲. حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، (قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، چ ۲، ۱۳۷۲ ق).
۲۳. خوئی، سیدابوالقاسم، *مبانی تکمله المنهاج*، (قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چ ۳، ۱۴۲۸ ق).
۲۴. خوئی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه فی المعاملات*، ج ۵، (بی‌جا: دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۸ ق).
۲۵. رازی، محمدتقی، *هدایه المسترشدین*، ج ۲، (بی‌جا: مؤسسه نشر، بی‌تا).

۲۶. رشتی، میرزا حبیب‌الله، *الإجارة*، (بی‌جا: چاپ سنگی، ۱۳۸۹).
۲۷. سراج، محمداحمد، *ضمان العدوان فی فقه الاسلامی*، (قاهره: دارالثقافه النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ ق).
۲۸. شریب‌نی، محمدبن احمد، *الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع*، ج ۱، (بی‌جا: دارالمعرفه، بی تا).
۲۹. شهید اول، *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد*، ج ۲، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۹).
۳۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی، *مسالك الأفهام*، ج ۱۵، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق).
۳۱. علامه حلّی، جمال‌الدین، *تحریر الاحکام*، ج ۵، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۲ ق).
۳۲. علامه حلّی، جمال‌الدین، *تذکره الفقهاء*، (تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۴۲۰ ق).
۳۳. فاضل هندی، *کشف اللتام*، ج ۲، (قم: نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق).
۳۴. مراغی، میرفتاح، *العناوین*، ج ۱، (قم: نشر اسلامی، ۱۳۸۰).
۳۵. موسوی بجنوردی، میرزا حسن، *القواعد الفقهيّه*، (قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۳ ق).
۳۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیله*، (قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، ۱۴۱۴ ق).
۳۷. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*، ج ۴۱ و ۴۲، (تهران: المکتبه الإسلامیه، ۱۴۰۴ ق).